

دکتر روح انگیز کراچی

## سهم زنان شاعر در شعر فارسی



در بررسی ادبیات یک جامعه، می‌توان روند تکاملی آن را مطالعه کرد و دریافت که چگونه هنرمند با نقب‌زدن به واقعیت‌های درون اجتماع ادبیات را شکل می‌بخشد. بدیهی است که ادبیات یک جامعه ریشه در سیاست، اقتصاد و فرهنگ آن جامعه دارد و محتوای آن با زندگی مردم سخت در آمیخته است. ادبیات هزار ساله ایران، که بخش اعظم فرهنگ دیرینه ماست. در شعر، این هنر ملی ایران‌زمین، خلاصه می‌شود. سابقه معتد کلام منظوم از زمان سرایش گاتها و یشتها آغاز می‌شود و در تصویر اندیشه‌های فردوسی، ناصر خسرو، خیام، نظامی، مولانا، سعدی و حافظ به اوج می‌رسد.

شعر این میراث ارزشمند تمدن قوم ما تصویرگر عواطف و اندیشه‌های انسانی است که در لابلای تاریخها و تذکره‌ها ثبت شده است. در سراسر تاریخ ادبیات درخشان فارسی به تعدادی در حدود هشت هزار شاعر اشاره شده، در آثار بعضی از آنان خلایقیت و بدعت هنری آنچنان قوی جلوه می‌کند که در ارزش هنری آن آثار جای هیچ گونه تردیدی نیست و نقش سازنده و خلاق سراینده آنها انکارناپذیر است. اما زن در شعر فارسی چه نقشی

داشته است؟ از اشعار عارفانه که بگذریم، اغلب غزلیات و قصاید مشحون از توصیف، تشبیه یا کنایه‌ای از جنس مؤنث است. اشعاری نیز در بدگویی از زن یا ستایش از او وجود دارد. چنانکه ناصر خسرو گفته است:

زنان چون ناقصان عقل و دینند چرا مردان ره آنان گزینند  
نظامی عقیده خود را بدین گونه مطرح کرده است:

زن راست بنازد آنچه یازد جز زرق ننازد آنچه سازد  
بسیار جفای زن کشیدند در هیچ زنی وفا ندیدند  
اسدی طوسی در ستایش از صفات نیکوی زن گفته است:

زنان را زهر خوبی‌ای دسترس فزونتر همان پارسایی و بس  
و نظامی در ستایش زن سروده است:

هزار آفرین بر زن خوب‌رای که ما را به مردی شود رهنمای  
علت این تناقض‌گوییها را می‌توان عدم شناخت ماهیت زن در طول تاریخ دانست که عواملی چون سلطه مرد، بی‌فرهنگی زن، عدم توجه به زن در فرهنگ دست‌پرورده مردان معیار غیرانسانی کالا بودن زن مسبب واکنشها و دیدگاههایی چنین بوده است. از این مقوله که بگذریم، به نقش سازنده و خلاق زن در شعر فارسی اشاره‌ای داریم. در این زمینه، فقط تنی چند نظیر رابعه، مهستی، دلشاد خاتون، جهان ملک خاتون، مستوره کردستانی و پروین اعتصامی شناخته شده هستند. اما در تاریخ ادبیات درخشان فارسی و در تذکره‌ها به نام چهارصد زن شاعر زن اشاره شده که گاه تنها نامی یا بیتی از آنان به جا مانده است، از جمله می‌توان از عاجزی، جلانی، زابری، نرگسی، بلیغه شیرازی، بیدلی خیابانی، فاطمه آرائی، فاطمه قوال و کوکب نام برد. اگرچه این زنان شاعر در تاریخ شعر فارسی حقیقتاً نقشی آنچنان ندارند، در بررسی شعر زنان نمی‌توان آنان را نادیده گرفت. زیرا آثار ادبی هر عصر نشانگر اوضاع اجتماعی همان زمان و رابط میان هنرمند و خواننده است گاه وجود یک بیت نیز می‌تواند مشخص‌کننده وضعیت زن در یک دوره تاریخی باشد. در مورد نقش زنان در ادبیات نخست باید به محدودیتها، تعصبات، تفسیقات، بی‌عدالتیها و ظلمهایی که این موجود تحت ستم با آن روبرو بوده اشاره شود. در اجتماعات مختلف و از روزگاران دور زن دارای آزادی محدود و امکانات و اختیارات اندک بوده است. قوانین مدنی به ضد او وضع شده و فشارهای فرهنگی و اخلاقی او را سرکوب کرده است. بدین سبب زن امکان

رشد و شکوفایی نداشته و تدریجاً به فردی منفعل و ناآگاه تبدیل شده است. ریشه این بیدادگریهای اجتماعی را در جهل، تعصب و خرافات می‌توان یافت، اما زنان در همین فرهنگ سرکوبگر به محض یافتن اندک فرصتی حضور خود را در صحنه شعر فارسی به اثبات رسانده‌اند. آشکار است که اغلب این زنان در موقعیتی استثنایی قرار داشته‌اند، ایشان شاهزاده، درباری و دختر حکام یا شاعران بوده‌اند و به همین دلیل جهان بینی محدودی داشته و از رنجها و محرومیت‌های زنان عوام و فشارهایی که بر آنان اعمال می‌شد آگاهی نداشته‌اند. شعر این شاعران به سبب انتساب به دربار انعکاس اوضاع اجتماعی نبوده بلکه توصیفی از لذتهای زندگی، محرومیت‌های جنسی یا مدح و ثنا بوده است. بنا به گفته‌ای: «ظاهرینان می‌پندارند که چون زنان ایران در دوره اسلامی در پرده بوده‌اند در ادبیات شرکت نکرده‌اند»<sup>۱</sup>. اما باید گفت دین اسلام در مقایسه با ادیان دیگر برای زنان ارزش ویژه‌ای قایل بوده است. زنان نمونه‌ای، چون زینب(س)، ام کلثوم(س) و فاطمه(س) دختر حسین بن علی(ع) که با ایراد خطبه‌های تاریخی خود پایه‌های حکومت ظلم حکام را لرزاند، الگوهای ارزشمندی در تاریخ اسلام‌اند.

به علت تحریفات و سوءتعبیراتی، که در اسلام نیز مانند سایر ادیان، پدید آمد، تعصب ناموسی چنان اوج گرفت که به نام دین زنان را در خانه‌ها محبوس کردند و حاکمان غرق در فساد فرمان دادند «زنان به روز از خانه بیرون نیایند و چون برآیند چادر آنان سیاه کنند و سر برهنه بر کوی و برزن برآیند تا تجربه دیگران شوند»<sup>۲</sup>. در طول تاریخ، با گسترش عقاید خرافی انواع تزییقات و فشارها بر زنان اعمال شد، حرمسراها و دربارها الگویی جهت فسق و فجور و فساد در جامعه گردید. این وضع اسفناک زن را به موجودی بی‌اراده تبدیل کرد که از بردن نام او نیز شرم داشتند:

**گهت خانه گویند و گه بچه‌ها که ننگست نام تو بر سروران<sup>۳</sup>**  
 بدیهی است که شرایط اجتماعی در پرورش شخصیت و آگاهی و بینش یک شاعر بسیار موثر است. به رغم محدودیتهایی که در جامعه ایران و، بویژه در زمینه سوادآموزی، برای زنان وجود داشته است معدودی از آنان به آفرینش هنری دست زده و ارزشهای وجودی خود را ارائه داده‌اند. بنابراین ضروری است که به این موارد استثنایی اشاره شود.

به قول اکثر تذکره‌نویسان، نخستین شاعره ایرانی «رابعه بنت کعب قزداری»، شاعری عارف و معاصر رودکی بود. غزلیات او بیانگر مهارت و قدرت وی در زبان شعری

و نشان دهنده عاطفه قوی و نیروی خیال انگیزی او بود.

عشق او باز اندر آوردم به بند  
عشق دریایی کرانه ناپدید  
کوشش بسیار نامد سودمند  
کی توان کردن شنا ای هوشمند  
پس ببايد ساخت با هر ناپسند  
زهر بايد خورد و انگاريد قند  
کز کشیدن تنگتر گردد کمند  
توسنی کردم ندانستم همی

رابعه اصفهانیه نیز از زنان شاعر و عارف دوره سامانیان بود که ابیاتی از او در دست است. مهستی گنجوی، شاعره قرن پنجم، از سرایندگان دربار سلطان سنجر سلجوقی، که صد و ده رباعی بسیار زیبا به طرزی استادانه از نظر بافت، ترکیب واژه‌ها و بیان ساده عواطف سروده است.

شبها که به ناز با تو خفتم همه رفت  
آرام دل و مونس جانم بودی  
درها که به نوک مژه سفتم همه رفت  
رفتی و هر آنچه با تو گفتم همه رفت  
عایشه سمرقندی، از شاعران قرن ششم با دیوانی مشتمل بر پنج هزار بیت شعر. هر تیره شبی که با توام باشد راز  
با اینهمه گر عوض دهندم ندهم  
فاطمه خراسانی، شاعری همزمان با مغولها که از او چند رباعی به جا مانده است.

تذکره نویسان، سخن سنجی و اشعار زیبای او را ستوده اند.  
آراسته باغ و عندلیبان سرمست  
اسباب فراغت همه در هم زده دست  
پاران همه از نشاط گل باده پرست  
دختر کاشغری، فاضله سمرقندی، دختر سجستانیه، عایشه مقربه، دختر خطیب گنجه‌ای و کوکب شیرازی نیز از شاعران قرن هفتم بوده اند.

جهان ملک خاتون، معاصر حافظ و عبید زاکانی، دختر مسعود اینجو، شاعری با پنج هزار و پانصد تا چهارده هزار بیت شعر بود. اشعار ساده و عاشقانه او بیانگر عشقی پاک و پرشور و در عین صرفاً انسانی است، نه از آن دست که سعدی بیان می‌کند و نه آن عشق اسرار آمیزی که نبوغ حافظ را به جلوه در می‌آورد اشعاری عاشقانه که آمیزه مبهمی از عشق عارفانه و عامیانه است.

بوی مهرت به مشام من شیدا نرسد  
گنج وصل توبه هر سی سرو با نرسد

به تمنای سرزلف تو جان داد دلم آه اگر دست من و دل به تمنای تو رسد  
نیست آگاهی از احوال جهانم که جهان آخر الامر به وصل تو رسد یا نرسد؟  
دولت نیز شاعری نابینا و معاصر تیمور لنگ بود که از جور او به تنگ آمد و شعری در ذم او  
سرود.

خانزاده خانم، فخرالنساء نسائی و نهانی از شاعران قرن دهم بودند. جهان صفوی و  
حیات خانم همسران شاه اسماعیل اول صفوی که در تذکرها به مشاعره آنان اشاره شده  
است.

جمیله اصفهانی، که بعضی تذکرها او را فصیحه یزدی یا اصفهانی خوانده‌اند، از  
شاعران مشهور دوره صفویه بوده. اشعاری عاشقانه در قالب دوبیتی و غزل دارد. جمیله،  
به خلاف زنان متعارف، فاقد خصوصیت اخلاقی تسلیم و طاعت بود و از محدوده‌ای که  
اجتماع معین کرده پا فراتر گذاشت و شرایط و سنن حاکم بر جامعه آن روز را نادیده  
گرفت. بدین علت تذکره‌نویسان او را عامل خوشگذرانی معرفی کرده‌اند.

دیگر نه زغم نه از جنون خواهم خفت نه زمین دل غلطیده به خون خواهم خفت  
زین گونه که بسته نرگست خواب مرا در گور به حیرتم که چون خواهم خفت  
خدیجه سلطان داغستانی دل داده واله داغستانی با عشقی نافرجام و اشعاری عاشقانه در  
بی‌مهری یار.

من سستی عهد یار می‌دانستم بی‌مهری آن نگار می‌دانستم  
آخر به خزان هجر خویشم بنشاندم من غنای تو بهار می‌دانستم  
مستوره کردستانی، شاعر دوره قاجاریه، زنی آگاه که اشعارش دارای مضامین اجتماعی  
است و به رغم زنان هم عصر خود، که بیش محدود آنان از چهار دیواری خانه‌ها و  
حرمسراها تجاوز نمی‌کرد، به مسائل اجتماعی توجه می‌نمود.

من آن زنم که به ملک عفاف صدر گزینم زخیل پردگیان نیست در زمانه قرینم  
به زیر مقنعه ما را سری است لایق افسر ولی چه سود که دوران نموده خوارچینم  
ز تاج و تخت جم و کی مراست عار ولیکن به آستان ولایت کمبینه خاک نشینم  
از زنان شاعر دوره قاجاریه می‌توان از دلشاد، خاور قاجار، خدیجه کاشیه، رشحه و فاطمه  
سلطان خانم فراهانی نام برد. ابیاتی از ایشان نیز در دست است، نوش و تاج الدوله،  
همسران فتحعلیشاه عصمت بیگم و عفاف قاجار، عروسان فتحعلیشاه و جهان قاجار، والیه،

فخری قاجار و عصمت قاجار، دختران فتحعلیشاه، نیز از شاعره‌های این دوره‌اند، که اشعاری از آنان در تذکره‌ها ثبت شده است. به دنبال تحولات اجتماعی که در اواخر دوره قاجاریه پدید آمد، تدریجاً از میزان محدودیتها و محرومیتها کاسته شد و به مسئله آموزش زنان توجه گردید. اقدامات آزادیخواهان در دوران انقلاب مشروطه و پیشگامی زنانی چون صفیه یزدی، همسر مجتهد مشهور شیخ محمد حسین یزدی، و صدیقه دولت‌آبادی، دختر روحانی معروف اصفهان حاج میرزا هادی، در راه بیداری زنان بسیار مؤثر بود. شرایط متحول تاریخی و تغییراتی که در ارکان جامعه پدید آمد زمینه را برای فعالیت زنان در هنر، بویژه شعر که بازگوکننده امیال سرکوب‌شده و خیالپردازیهای آنان بود، مهیا ساخت.

جنت (فصل بهار خانم)، وی بازمانده شاعران کلاسیک ایرانی با پیشی اشرافی حاصل رکود فکری دوران قاجاریه است، او شش هزار بیت شعر عاشقانه مکرر دارد.

گرندادم به رهن جان زگران جانی نیست	جان من جان منت لایق قربانی نیست
بادش از تیغ اجل دور سر از تن جاننا	هر که در پای تو اش شوق سرافشانی نیست
گر من از عشق تو ام بی سروسامان چه عجب	حاصل عشق بجزی سروسامانی نیست
چه کند عاشق بیدل که نگوید غم دل	گریه اتند که این مسئله پنهانی نیست

نیمتاج خاکپور سلماسی، برجسته‌ترین نماینده شاعران زن در دوره مشروطیت، که روح تپنده انقلاب را احساس کرده است. اشعار اجتماعی او نمایانگر آگاهی و افکار آزادیخواهانه زنی است که عمیقاً درد را احساس می‌کند و به فریاد در می‌آید.

ایرانیان که فرکیان آرزو کنند	باید نخست کاوه خود جستجو کنند
مردی بزرگ باید و عزمی بزرگتر	تا حل مشکلات به نیروی او کنند
ایوان پی شکسته مرمت نمی‌شود	صد بار اگر به ظاهر وی رنگ و رو کنند
شد پاره پرده عجم از غیرت شما	اینک بیاورید که زنهار فو کنند
قانون خلقت است که باید شود ذلیل	هر ملتی که راحتی و عیش خو کنند

شمس کسمائی، زنی که نخستین بار نظام کلاسیک شعر فارسی را در هم ریخت و اشعاری به شیوه نو با دریافتی نو از جامعه سرود:

ز بسیاری آتش مهر و ناز و نوازش  
از این شدت گرمی و روشنائی و تابش  
گلستان فکرم

خراب و پریشان شد افسوس  
 چو گلهای افسرده افکار بکرم  
 صفا و طراوت ز کف داده گشتند مایوس

عالم‌تاج قائم مقامی، با تخلص ژاله، شعری است زنانه با مضامینی که بیانگر محرومیت و ستمکشی مضاعف زنان است. وی شاعری است پرخاشگر، گاه به جامعه و سنتهای اجتماعی اعتراض می‌کند. نگرشی ژرف دارد و از واقعیتها سخن می‌گوید.

با آرزوی امروز دیروز من به سررفت  
 بی‌خانمان شود مرغ گراز قفس گریزد  
 نه شوهر و نه فرزندی نه آشیان نه سامان  
 تا زیر کشیدم در آشیان سرخویش  
 با این طمع سرآید هم روز دیگر از من  
 با این همه نباشد بی‌خانمان تر از من  
 به خدا چه خواهد چرخ ستمگر از من  
 هم آشیان بر افتاد هم کننده شد پراز من  
 فخر عظمی ارغون، شاعری روزنامه‌نگار و فعال بود که علم و دانش را در بالا بردن آگاهی زنان ضروری می‌دانست.

بسکوش ای زن و بر تن ز علم جامه بپوش  
 خوش آن زمان که چنین جامه ات به تن باشد  
 مهر تاج رخشان، شمس الضحاء نشاط، نور الهدی منگنه و مهکامه محمص در شمار  
 شاعران اوایل دوره پهلوی هستند.

بدری تندری (فانی)، دختر خواهر مشروطه خواه مبارز، سید عبدالله بهبهانی، شاعری مترقی با مجموعه شعری به پیام روان خسته، وی ضرورت طرح مسائل زمانش را بموقع دریافت و به عشقی ساختگی و تصاویری قراردادی اکتفا نکرد. کتاب مقام زن در جهان را هنگامی نوشت که زنان جامعه اش از مقام خویش بی اطلاع بودند. زیباترین شعرش را در وصف ایران سروده است:

خیزید تا که درد وطن را دوا کنیم  
 خود را رها ز محنت و رنج و بلا کنیم  
 این مادر وطن که ز محنت بود مریض  
 درمان او سزد که ز حکمت دوا کنیم  
 ملت روا بود که شود بیمار مبهنش  
 زبید که جان خویش برایش فدا کنیم  
 به دشواری می‌توان قضاوت کرد که در میان خیل عظیم شاعران کدام برترند، اما در میان چهار صد شاعر زن به آسانی می‌توان پروین اعتصامی را برجسته‌ترین شاعره فارسی‌زبان دانست. پروین اعتصامی در بعضی اذهان یادآور شعرهای کسل کننده و لفظ موعظه‌گرانه‌ای

است که به نصیحت‌های مادرانه می‌ماند. موقعیتی که طبعاً آدمها از آن گریزانند ولی مجبور به تحمل آنند. از فحوای درسهای اخلاقی و اشعار تعلیمی او حالتی کسل‌کننده به انسان دست می‌دهد اما این حالت تا زمانی است که او را نشناخته‌ای وقتی فریاد دادخواهی او را از زبان پیرزن و طفل یتیم و در اندوه فقرش دیدی او را می‌شناسی که شاعری اجتماعی است. او شاعری نیست که صرفاً مورد تحسین ادبا و پژوهشگران باشد، شاعر «مست و هشیار»، شاعر «اشک یتیم»، شاعر «رنجبر» و شاعر «دزد و قاضی» دیگر در محدوده افکار منتقدان سطحی‌نگر و نیش‌قبرکن‌ها نمی‌گنجد.

پروین در عرصه ادبیات مردانه ایران شاعری است مترقی، روشن‌بین با بینشی انتقادی - اجتماعی. پروین با انقلاب مشروطیت هم‌سال بود اما چون فرزخی و عشقی مستقیماً در فعالیتهای سیاسی شرکت نکرد. تردیدی نیست که او پرورش‌یافته محیطی بود که معیارهای فرهنگی هنوز اصالت خود را حفظ کرده بودند. او بهترین الگوی زن سنتی - روشنفکر ایران بود - شاعری مبارز و منتقد اجتماعی بود. که بصورت تمثیل و ایهام پرده از حقایق برمی‌داشت. در شعر دزد و قای خیانت و برانگیزان فرهنگ را اینگونه مطرح می‌کند.

من ریوادم موزه و طشت و نمدم  
 دزد جاهل گریبکی ابریق برد  
 دیده‌های عقل گریبنا شوند  
 خودفروشان زودتر رسوا شوند

اشعار پروین واقع‌گرایانه Realistic و تعلیمی (didactic) است. او واقعیتهای اجتماع را با حساسیت زنانه خود لمس و تصویر کرد. در توصیف تجارب و لحظات غم‌انگیز با تمامی احساس تصاویری گویا و مؤثر ساخت. کمتر شاعری را می‌توان یافت که در تصویر کردن احساسات عمیق و ژرف به اندازه او مهارت داشته باشد. او به طرز بدیع به طبیعت و اطراف نگریست و با زبانی ادیبانه مضامین تازه‌ای تصویر کرد. در تقسیمات پنجگانه شعر فارسی در این دوره او را می‌توان در شمار شاعران محافظه‌کار به حساب آورد. شاعری که مسائل اجتماعی و مضامینی نو را در قالبی کهن عرضه کرد و با شناخت کامل حصار قراردادی کلمات شعری را شکست و بجای زلف نگار و چشم نرگس از سوزن رفوگر و نخ و ماش و عدس سخن گفت. اشعار پروین قسمت اعظم اشعار تعلیمی و پندآمیز بعد از دوره مشروطه را تشکیل می‌دهد. ویژگی این ادبیات این است که اخلاق و تربیت هدف به شمار می‌آید و مضامین مختلف به موضوعات اخلاقی مرتبط می‌شود. شعر پروین با



واقعتهای زندگی سخت درآمیخته است و انعکاس دردهای مردم محروم است. و سراینده شعرهای خصوصی نیست. زمینه اشعارش اجتماع است. دریافت عمیقی از تضادهای طبقاتی دارد اما راهی برای از میان بردن آنها پیشنهاد نمی‌کند و تقدیرگرانی (Fatalistic) آن را به سرنوشت و قضا و قدر وامی‌گذارد.

زادن و کشتن و پنهان کردن دهر را رسم و ره دیرین است آدم مایوسی است. با درد همدردی می‌کند و عکس العمل عاطفی اش را به صورت افسردگی آشکار می‌نماید، زیرا روح مقاومت و عصیان در وجودش ضعیف است.

پروین پانزده ساله بود که رضاخان میرپنج کودتا کرد. وضع اسف‌انگیز، مشکلات سیاسی، دخالت بیگانگان، وضعیت نابسامان اقتصادی، اختناق حاکم بر جامعه اوضاع سیاسی و اجتماعی ایران را آشفته کرده بود. اصطلاحاتی روینایی و اندک انجام می‌شد. ناآگاهی و عدم شناخت مردم نسبت به مسائل، مشکلات را عمیقتر و ریشه‌دارتر می‌کرد. در محیطی سنتی - خرافی و در چنین شرایطی، نداشتن جهان بینی غایت و عمیق برای زنان امری کاملاً عادی بود و پروین در چنین اوضاعی شعر اجتماعی می‌سرود. او سعی داشت تا نابرابریهای اجتماعی، ظلم، زور، فقر و نابسامانیها را در اشعارش به گونه ای نشان دهد. در این دوره سه چهارم جمعیت کشور را طبقه زحمتکش تشکیل می‌داد و او در چنین جامعه ای زبان حال این طبقه بود، هر چند جز پند دادن درمانی برای دردهای بی درمان آن نمی‌یافت و پروین راهگشای زنان در شعر و ادب و در فعالیتهای اجتماعی بود. او اعتقاد داشت؛

پستی نسوان ایران جمله از بی دانشی است مرد یازن برتری ورتبت از دانستن است اما حامدان کژاندیش که از زن تصویری دیگرگونه داشتند به او اهانت نموده و در بیانیه ای که در مهرماه ۱۳۲۲ ش بنام اتحادیه کشاورزان و ترقیخواهان منتشر کردند. اشعار او را از آن بزرگترین شاعر متصوف ایران دانستند! و در حالیکه خود نیز نام این شاعر متصوف را نمی‌دانستند! و بعدها شخصی بنام فضل الله گرگانی کتابی بنام تهمت شاعری نوشت و اشعار پروین را به علی اکبر دهخدا نسبت داد. البته زمانی که خود شاعر نیز زنده بود چنین سخنی شنیده و در پاسخ گفته بود:

مرد پندارید پروین را چه برخی زاهل فضل این معما گفته نیکوتر که پروین مرد نیست شاعر، پرورش یافته جامعه ای مذهبی - سنتی بود که زن بحکم - زن بودن - باید

محبوب، مطیع و ساکت باشد و پروین زنی ساکت و خجالتی بود از آن دسته که هرگز از خود حرفی نمی‌زنند و همین سکوت گاه بعضی را به شبهه می‌انداخت. سعید نفیسی، مهکامه محصص، فضل‌الله گرگانی، وینسنت شیان و ابوالفتح اعتصامی همه به این خصوصیت اخلاقی او اشاره کرده‌اند.

پروین شاعری بود که راه مستقل خود را یافت. شاعری رئالیست که گاه کلامش رنگ رمانتیسم بخود می‌گیرد. شاعری که اشعار غنائی (Lyric) او انعکاس احساسات ژرف اوست که با روشن بینی خاصی بیان شده. اشعار او نوعی رئالیسم توصیفی است با ادراکی نو، واقعی و تجربی که بار عاطفی و تخیلی خاصی دارد بینش انتقادی - اجتماعی او در بیت - بیت اشعاری نهفته است.

**محتسب مستی به ره دید و گریبانش گرفت**

مست گفت ای دوست این پیراهن است افسار نیست

**گفت مستی ز آن سبب افتان و خیزان می‌روی**

گفت جرم راه رفتن نیست ره هموار نیست

بجاست که سختم را با این ستاره زود غروب کرده شعر فارسی به پایان برم و شعر زنان در دو دوره تاریخی را به آینده واگذارم.

در این نگرش، بطور دقیق و کامل نقش خلاق و سازنده زن در شعر فارسی بیان نشده اما کوشیده‌ام تا به چهره‌های اصیل و آگاه زن ایرانی، به منزله نمونه اشاره‌ای داشته باشم. زنانی چون پروین که معتقد بودند.

**از زر و زیور چه سود آنجا که نادان است زن**

زیور و زر پرده پوش عیب نادانی می‌شود

یا فخر عظمی که می‌گوید:

**بکوش ای زن و بر تن ز علم جامه بپوش**

خوش آنزمان که چنین جامه‌ات به تن باشد

و براستی که باید بکوشیم تا نقاب از معیارهای منحط غرب، آزادیهای کاذب، فرهنگ و حیثیت مسخ شده دوران ستم‌شاهی برداریم و هنرمندان آگاه، متعهد را در جامعه ادبی - آن گونه که هستند - بشناسانیم.

## منابع:

- ۱ - ادبیات نوین ایران، یعقوب آژند تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۳، ص ۱۷۷ و ۳۴۲.
- ۲ - ادبیات معاصر، رشید یاسمی، تهران، روشنائی، ۱۳۱۶، ص ۴۳.
- ۳ - ادبیات دوره بیداری و معاصر، محمد استعلامی، تهران - دانشگاه سپاهیان انقلاب، ۱۳۵۵، ص ۳۶۹.
- ۴ - ارمغان، ص ۲۰ ش ۷ و ۸ ص ۴۴۸.
- ۵ - از رابعه تا پروین، کشاورز صدق، تهران، کاویان، ۱۳۳۴، ص ۷۶.
- ۶ - بزم سخن، ی قصیری، تهران، زوآن، ۱۳۴۲، ص ۴۸.
- ۷ - تاریخ زبان و ادبیات ایران، عباس مهزین (شوشتری)، تهران، مانی ۱۳۵۳، ج ۵ ص ۱۶۲.
- ۸ - تاریخ برگزیدگان، امیر مسعود سپهرم، تهران، تهران مصور، ۱۳۴۱، ص ۴۴۸.
- ۹ - تذکره شعرای معاصر، سید عبدالحمید خلخالی، تهران - طهوری، ۱۳۳۳، ج ۱ ص ۶۶.
- ۱۰ - دویت سخنور، علی نظمی، تبریز - آذربادگان، ۱۳۵۵، ص ۶۲.
- ۱۱ - دهخدا، تهران، دانشگاه تهران - ۱۳۳۵، ذیل پروین.
- ۱۲ - الذریعة الی تصانیف الشیعه، علامه شیخ آقا بزرگ تهرانی، تهران، المكتبة الاسلامیه، ۱۳۹۷ هـ. ق، ج ۹ ص ۸۱.
- ۱۳ - ریاحین الشریعة، شیخ ذبیح الله محلاتی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۵ هـ. ق، ج ۴ ص ۷۴.
- ۱۴ - ریحانة الادب، میرزا محمد علی مدرس، تبریز - چاپ سوم - ج ۱ ص ۱۴۸.
- ۱۵ - زنان سخنور علی اکبر مشیر سلیمی، تهران، علمی، ۱۳۳۵، ج ۱ ص ۷۹.
- ۱۶ - سخنوران آذربایجان، عزیز دولت آبادی - تبریز - دانشگاه تبریز، ۱۳۵۵، ص ۲۵۱.
- ۱۷ - سخنوران نامی ایران، محمد اسحاق، تهران، نشر طلوع، ۱۳۶۳، چاپ دوم، ص ۴۷.
- ۱۸ - سخنوران نامی معاصر، سید محمد باقر برقی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۲۹ - ص ۳۸.
- ۱۹ - سرآمدان فرهنگ و تاریخ ایران - سید حسن سادات ناصری، تهران - شورابعلی فرهنگ و هنر، ۱۳۵۳، ص ۱۶۶.
- ۲۰ - فرهنگ سخنوران، ع - خیامپور، تبریز، چاپ آذربایجان ۱۳۴۰ - ص ۱۰۳.
- ۲۱ - فهرست کتابهای چاپی فارسی، تهران - بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۲، ج ۱ ص ۱۵۰۹.
- ۲۲ - فهرست مقالات فارسی، ایرج افشار تهران - امیرکبیر، ۱۳۵۵، ج ۱ ص ۸۰۱ و ۸۰۳.
- ۲۳ - کارنامه زنان مشهور ایران، فخری قویسی، تهران - انتشارات آموزش و پرورش ۱۳۵۲ - ص ۶۱.

- ۲۴ - کاوه (مجلد) س ۳، ش ۱۴ ص ۱۵۱.
- ۲۵ - گلزار جاویدان، محمود هدایت، تهران - چاپخانه زیبا، ۱۳۵۳، ج ۱ ص ۲۵۱.
- ۲۶ - منتخبات آثار محمد ضیاء هشترودی، تهران، بروخیم ۱۳۴۲ هـ. ق ص ۸۵.
- ۲۷ - مصاحب تهران، کتابهای جیبی - ۱۳۵۶ ذیل.
- ۲۸ - ارمغان س ۲۰ ش ۷ و ۸ ص ۴۲۲.
- ۲۹ - بنیاد س ۱ (مهر ۱۳۵۶) ش ۷ ص ۱۸.
- ۳۰ - پیام نوج ۱ ش ۲ ص ۹۸.
- ۳۱ - تهمت شاعری، فضل الله گرگانی، تهران، انتشارات روزنه، ۱۳۵۶.
- ۳۲ - کاوه س ۴ ش ۱۴ ص ۱۵۱.
- ۳۳ - مجموعه مقالات و قطعات اشعار تهران، ۱۳۵۵ - چاپخانه محمد علی فردین، ابوالفتح اعتصامی.
- ۳۴ - ننگین - س ۱۰ - شماره ۱۱۰ (۱۳۵۳/۴/۳۱) ص ۱۷.
- ۳۵ - ننگین - س ۱۰ - شماره ۱۱۱ (۱۳۵۳/۵/۳۱) ص ۲۵.

#### Refrence

- 1- Indo-Iranica V 31 (Urach 80 Jure 1978) No 1802 P. 75-87.
- 2- Sheean, Vincent, *the new Persia*, New York, the century co, 1927, p. 257.
- 3- M. Ishaque, *Four eminent Poetesses of Iran*, Calcutta, Iran Society, 1950, p. 41.
- 4- Muhibur Rahman, *Post Revolution Persian Verse*, Allgarh, 1955, P. 81.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رساله جامع علوم انسانی